

## توکل

اعظم پور پونیه

توکل در اصل از ماده «وکالت» به معنای انتخاب کردن است، و می دانیم که یک وکیل خوب کسی است که حداقل دارای چهار صفت باشد: آگاهی کافی، امانت، قدرت و دلسوزی.

توکل یعنی اعتماد و اطمینان دل در همه امور به خداوند و بیزاری جستن از هر قوه و قدرتی. و این منوط بر این است که در عالم هستی جز خداوند فاعلی وجود ندارد؛ و هیچ کس قوه و قدرتی ندارد مگر به واسطه او، تمامی علم و قدرت امور بندگان در دست اوست، و به هریک از بندگان عطف و عنایت و رحمت تام دارد، فوق علم او علمی نیست و فراتر از عنایت او عنایتی، پس هر کس چنین اعتقادی داشته باشد البته به خداوند اعتماد دارد و به غیر او به کسی حتی به خودش هم توجهی ندارد.

### مقام توکل

توکل درجه ای از درجات دین و مقامی از مقامات مردم با یقین است. اگر بخواهیم توکل را از راه علم ثابت کنیم، از مسئله مشکلی است که نمی توان به زودی به آن دست پیدا کرد. و از نظر عمل هم اگر بخواهند به آن متوجه شوند کاری بس دشوار و پر مشقت، علت مشکل بودن آن از نظر علم این است که هرگاه بخواهیم اسباب را در آن دخیل بدانیم و به آنها اعتماد کنیم به طور مسلم راه شرکی برای خود ایجاد کرده ایم که با توحید سازگاری ندارد و شرع مقدس از چنین معنایی کاملاً جلوگیری کرده است. اما توجه کردن به اسباب چنان است که در بحر بیکران جهل فرو رفته باشیم.

نقل است که در روزگاران گذشته زاهدی از شهر بیرون رفت و در

فَنُوحِمْ كَلِمَاتِ اللَّهِ  
بِأَرْوَاحِهِمْ



غارى نشست و توکل کرد تا روزی او برسد، یک هفته گذشت و نزدیک بود که از گرسنگی هلاک شود. به پیامبر آن زمان وحی شد که به وی بگوید به عزتم قسم که: «روزی ندهم تا به شهر نروی، و درمیان خلق نایستی». وقتی به شهر آمد، از هر جایی چیزی آوردند، و این راز را در درون خویش مخفی داشت. وحی آمد که به وی بگو خواستی به زهد خویش، حکم من باطل کنی، ندانستی که چون روزی بندگان خویش از دست بندگان دیگر هم دوست تر دارم از آنکه از دست خویش.

هر کس پروردگار خویش را با عظمت و کبریایی و قدرت مطلق که دارد بشناسد، به طور طبیعی خوف و خشیت او بر دلش چیره می شود و از اینکه کاری از او سرزند که او را مطرود درگاه الهی گرداند، سخت بیمناک می شود. و هرچه به معرفتش افزوده می شود بر خوف و خشیت او افزوده می گردد. تا آنجا که بزرگترین خائفان مقرب ترین بندگان خداوند، یعنی انبیاء الهی هستند.

ثمره این خوف، توبه و بازگشت به سوی درگاه حق، زهد و بی رغبتی به دنیا و صبر و شکیبایی در مخالفت با هوای نفس است. حاصل و ثمره این فضائل، صدق و اخلاص و مواظبت بر افکار و اذکار است که، موجب پیدایش محبت در دل بندگان می شود.

هرچه محبت فزونى گیرد، همچنین بر شدت اخلاص بنده افزوده می شود و ریشه های شرک و نفاق با شعله های فروزان محبت می سوزد و از بین می رود. از این رو، رسیدن به اخلاص و درجات والای آن جز در سایه محبت امکان پذیر نیست.



### نمونه هایی از توکل در قرآن

پیامبر اسلام (ص) و توکل:

﴿لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتكم حريص عليكم بالموءمنين روفء رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت و هو رب العرش العظيم﴾  
(سوره توبه، آيات ۱۲۸ و ۱۲۹)

«قطعاً شما را رسولی از جنس خودتان آمد که آنچه رنج می برید بر او گران است، و بر هدایت و راهنمایی شما حریص است و به مؤمنین رءوف و مهربان است. پس اگر روی برگردانند بگو خداوند مرا بس است، معبودی جز او نیست، بر او توکل می کنم و او پروردگار عرش بزرگ است.»  
حضرت نوح (ع) و توکل:

﴿واتل عليهم نبأ نوح اذ قال لقومه يا قوم ان كان كبير عليكم مقامى و تذكيري بايات الله فعلى الله توكلت فاجمعوا امركم و شركاءكم ثم لا يکن امركم عليكم غمء ثم اقصوا الى و لا تنظرون﴾ (سوره يونس، آيه ۷۱)

«خبر نوح را بر اينها بخوان که به قوم خود گفت: اگر مانند من (در میان شما) و یاد آوریم از آیات خدا بر شما گران (و سخت) است من به خدا توکل می کنم و شما هم با شریکانتان تصمیم خود را درباره من بگیرید (و آن را قطعی کنید) تا کار بر شما پنهان و پوشیده نماند، و کار مرا یکسره کنید و مهلتم ندهید.»

